

کافکا و ذوال

نشریه انجمن علمی

معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات

دانشگاه امام صادق (ع)

شماره یازدهم

آبان ماه ۱۴۰۳

نظرتون درباره‌ی

این عکس چیه؟

«ماجرای عکس» رو

در صفحه‌ی ۴ بخونید!



فضای مجازی

نیم‌نگاهی از شش
دریچه‌ی فرهنگی به
یک چالش برای نظام!



صدای خاموش اقلیت

کنکاشی جامعه‌شناسانه
پیرامون ماجرای
#اخراج‌افغانی-مطالبه‌میلی



پُل معنویت یا جهان مجازی

روایتی از امکان برقراری
رابطه‌ی مطلوب میان
«فضای مجازی» و
«معنویت»



«هنر مصنوعی»

پرسش: «آیا هوش
مصنوعی جایگزین
قابلی برای هنر انسانی
خواهد بود؟»

سرمقاله



به قلم سیدعلی شبیری، دبیر انجمن علمی معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق - علیه‌السلام -

به قول برخی فلسفه‌خوان‌ها شاید واژه «مجاز» یا «مجازی» را بیشتر در ادبیات پست‌مدرن‌ها شنیده‌ایم. واقعیتی که وجود ندارد و هر چه هست در «ذهن» است یا «خیال» است یا چه... جایی که حقیقت توسط انسان و برای انسان ساخته و برای او شفاف می‌شود. شاید قدرتمندترین ابزار تأثیر در جهان امروز «فضای مجازی» باشد. در کشور ما حدود هفتاد میلیون خط تلفن همراه وجود دارد. گوشی‌هایی که زمانی در دست یا کنار گوش آدمها بود و برای مکالمه و انتقال پیام استفاده می‌شد، حالا تبدیل شده به مکانی که انسان‌ها زندگی‌شان را آنجا می‌گذرانند. هر ایرانی به طور متوسط ۹۰ دقیقه در روز در فضای مجازی فعال است! انگار تنها پناهگاه ما، همین گوشی‌ها هستند. جایی که روز به روز به آدم‌های مجازی نزدیک و از آدم‌های واقعی دور می‌شویم. فاصله‌ی ما و دنیای واقعی بیشتر و بیشتر می‌شود. ارتباطات مجازی‌مان گسترده‌تر و ارتباطات واقعی محدودتر می‌شود. فضای مجازی، آدم‌ها را دعوت به تنهایی می‌کند. این حجم از اعتماد به آن از سمت ما هم عجیب است! خیلی‌ها فضای مجازی را «امین زندگی‌شان» می‌دانند. فضای مجازی، محل گفتگوهای خصوصی و حرف‌هایی است که جرئت نداریم به هر کسی بزنیم. احتمالاً در سال‌های نه چندان دور، امکان زیست در فضای مجازی را هم تجربه کنیم؛ با وصف کلمه‌ی متناقضی به نام «واقعیت مجازی». همین‌قدر عجیب! شاید بزرگ‌ترین مسئله‌ی حال حاضر فضای مجازی، مدیریت چالش‌هایی است که به وجود آورده؛ بحران‌های هویتی، مشکلات مربوط به حریم خصوصی و امنیت، انتشار اطلاعات نادرست، بایکوت خبری جهت‌دار، کنترل و سانسور، اعتیاد به فضای مجازی و... در نهایت فضای مجازی، به عنوان یک پدیده‌ی چندوجهی، نیازمند بررسی‌های عمیق و میان‌رشته‌ای است. «کاغذ احوال» یازدهم با موضوع «فضای مجازی» با عینک‌های فرهنگ و ارتباطاتی...

در این قبر مرده‌ای نیست، فاتحه نخوانید!



مرثیه‌ای بر بی‌قانونی و افتخار بر بی‌قانونی فضای مجازی
یادداشت هسته‌ی حکمرانی و سیاست‌گذاری
به قلم علیرضا جوکار،
دانشجوی ورودی ۱۳۹۸ رشته‌ی معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، گرایش سیاست‌گذاری فرهنگی

شورای عالی فضای مجازی در هفدهم اسفند سال ۱۳۹۰ با حکم مقام رهبری تشکیل شد. آیت‌الله خامنه‌ای ضمن دستور برای تشکیل شورای عالی فضای مجازی، اعضای حقوقی و حقیقی این شورا را برای مدت سه سال تعیین کردند. چهار سال بعد، با تأخیر، رهبر انقلاب در حکمی اعضای جدید شورای عالی فضای مجازی را برای یک دوره‌ی چهار ساله منصوب کردند.

از سال ۱۳۹۸، با پایان یافتن حکم دوره‌ی چهار ساله‌ی اعضای شورای عالی فضای مجازی، تمدید رسمی عضویت آن‌ها صورت نگرفته و حکمی از سوی آیت‌الله خامنه‌ای برای اعضای جدید یا تمدید دوره‌ی قبلی‌ها صادر نشده است. این مسئله به معنای آن است که اعضای حقیقی و حقوقی این شورا، از نظر حقوقی در وضعیت بلاتکلیفی قرار گرفته‌اند.

«مجلس در رأس همه‌ی امور است.» (امام خمینی، ۱۳ دی ۱۳۴۲). مجلس شورای اسلامی به عنوان تنها مرجع قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران، هنوز قانون جامع و مدونی برای مدیریت و نظارت بر فضای مجازی تصویب نکرده است. «طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی و ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی»، که به اختصار «طرح صیانت» شناخته می‌شود، اولین تلاش و البته تلاشی ناتمام توسط مجلس برای قانون‌گذاری در حوزه‌ی فضای مجازی بود که البته بعد از کش و قوس‌ها و تغییرات فراوان کنار گذاشته شد.

«همه‌ی کشورهای دنیا روی فضای مجازی خودشان دارند اعمال مدیریت می‌کنند و ما افتخار می‌کنیم به اینکه ما فضای مجازی را ول کرده‌ایم! در حالی که به هیچ وجه افتخار ندارد» (مقام رهبری، ۱ فروردین ۱۴۰۰). این جمله‌ی کوتاه، آینده‌ی تمام‌نمای عملکرد مجلس شورای اسلامی و شورای عالی فضای مجازی در دهه نود و شاید علت اصلی تمدیدنشده احکام این شورای عالی‌ست.

به نظر می‌رسد دغدغه‌مندان و دلسوزان فضای مجازی باید قبل از هرگونه بحث در مورد فضای مجازی، اهمیت قانون‌گذاری برای فضای مجازی را برای نخبگان، قانون‌گذاران و عموم مردم جامعه تبیین کنند.

علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد. پاییز ۱۴۰۱ در ایران با رخداد‌های گوناگونی از جمله درگذشت مهسا امینی، واکنش‌های گسترده‌ی اجتماعی رخ داد که منجر شد موجی از محدودیت‌ها و فیلترینگ گسترده در فضای مجازی کشور اعمال شود. پس از فیلترینگ گسترده، استفاده از فیلترشکن‌ها و VPN‌ها به‌طور قابل توجهی افزایش یافت. به‌جای اعمال محدودیت‌های فوری و گسترده، سیاست‌گذاری‌های منطقی و گفت‌وگوی ملی می‌تواند راه‌حل‌های کارآمدتری برای پیشگیری از بروز بحران‌های مشابه ارائه دهند. برنامه‌ریزی دقیق و حمایت از فضایی که به گفتگو و تبادل نظر کمک کند، می‌تواند به کاهش نارضایتی‌ها و بازسازی اعتماد عمومی منجر شود.

پُل معنویت یا جهان مجازی



یادداشت هسته‌ی فلسفه و تمدن
به قلم علی منجی،
مسئول هسته‌ی فلسفه و تمدن انجمن علمی معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات

فضای مجازی، از منظر فلسفه‌ی دینی و الهیات، صرفاً یک بستر ارتباطی یا محمل انتقال اطلاعات نیست؛ بلکه می‌توان آن را به‌عنوان «فضای میانجی میان حقیقت متعالی و ادراک انسانی» دانست. این فضا از چارچوب‌های عادی زمانی و مکانی رها می‌شود و در عوض بستری را ایجاد می‌کند که در آن، انسان از قید محدودیت‌های تجربی فراتر رفته و به بازاندیشی در ساحت‌های بنیادین معنوی می‌پردازد. به تعبیر جان هیک، «فضای مجازی می‌تواند انسان مدرن را به بازگشت به پرسش‌های ازلی و بنیادی در باب معنا و هدف هستی وادارد»؛ عرصه‌ای که می‌تواند به پلی میان فرد و امر قدسی تبدیل شود و امکان مواجهه‌ی دوباره با حقیقت متعالی را فراهم آورد.

از سوی دیگر، سید حسین نصر معتقد است که فضای مجازی، اگر به درستی از محتوای غنی و عمیق معنوی و الهی برخوردار باشد، می‌تواند به ابزاری برای تقویت معرفت و رشد دینی بدل گردد. نصر تأکید می‌کند که «این فضا می‌تواند محملی باشد برای تقویت باورهای دینی و همچنین بیداری روحانی، به‌ویژه در مواجهه با بحران‌های معنا در دنیای مدرن». محتوای دیجیتال معنوی، از ویدئوهای آموزشی گرفته تا پادکست‌های دینی، با استفاده از زبان ساده اما عمیق، قادر است ادراک انسان را نسبت به مفاهیم اسلامی تعمیق بخشد و به فرد این امکان را دهد که به تجربه‌های عرفانی نزدیک‌تر شود و با مفاهیم توحیدی و اخلاقی پیوندی عمیق‌تر برقرار کند. این‌گونه محتوای معنوی، فضای مجازی را از صرف محیطی برای سرگرمی و مصرف روزمره فراتر برده و آن را به عرصه‌ای برای بازسازی هویت دینی و سلوک معنوی تبدیل می‌کند.

شهید مرتضی آوینی در تبیین رویکردی تمدنی به فضای مجازی می‌نویسد: «فضای مجازی می‌تواند در خدمت تمدن‌سازی اسلامی قرار گیرد، مشروط بر آن‌که از منظر توحیدی به آن نگریسته شود و هدف آن ایجاد شرایطی برای ترویج عدالت، معنویت و حقیقت‌الهی باشد». آوینی بر این باور است که این فضا، به‌واسطه‌ی ظرفیت‌های منحصر به فردی که برای خلق فرهنگ و هویت جدید دارد، می‌تواند به عنوان بستری برای احیای ارزش‌های اسلامی و تجلی تمدن نوین اسلامی در جهان معاصر عمل کند. این تمدن، از رهگذر فضای مجازی، می‌تواند ارزش‌هایی نظیر عدالت، کرامت انسانی و آزادی معنوی را نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح جمعی و اجتماعی بازتعریف کند.

به این ترتیب، مدیریت فضای مجازی بر مبنای اصول اسلامی و با تأکید بر رشد معنوی، می‌تواند ضمن پیوند فناوری و دین، فرد و جامعه را به سوی زیست معنوی و اجتماعی معتادار سوق دهد. تمدن نوین اسلامی، با بهره‌گیری از چنین فضایی، می‌تواند به گونه‌ای شکل یابد که فناوری نه ابزاری برای انحراف و سلطه، بلکه به واسطه‌ی تقویت بعد الهی و معرفتی خود، مسیری به سوی تحقق آرمان‌های توحیدی و تعالی انسان باشد.

هنر مصنوعی

دورنمای وضعیت هنر در دوره هوش مصنوعی

یادداشت هسته‌ی هنر و رسانه؛ به قلم

سیدمحمداحسان نجفی‌فر

دانشجوی ورودی ۱۳۹۸ رشته‌ی معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، گرایش سیاست‌گذاری فرهنگی



یکی از مباحثی که در عصر جدید پیرامون آثار هنری مطرح شد، از بین رفتن اصالت آنها بود. خلاصه‌ی حرف 'والتر بنیامین' این بود که در دوره‌ای که می‌شود هر چیزی من جمله آثار هنری را روی یک خط تولید گذاشت و هزاران نسخه از آن را بازتولید کرد، آیا می‌شود دیگر حرفی از "خاص" بودن یک کار هنری زد؟ آیا تابلوی مونالیزا دیگر برای شما "هاله‌ی شگفت‌انگیزی دارد؟ چون آن را در لوور دیده‌اید؟ نه، چون آن را هزاران بار این طرف و آن طرف دیده‌اید.

حالا اگر بنیامین در این دوره‌ای که هوش مصنوعی دارد پا می‌گیرد می‌بود، چه می‌گفت؟ اگر اجازه دهید اول بگویم اطلاعی ندارم! و بعد از آن حدس بزنم احتمالاً با وجود هوش مصنوعی، تولید یک اثر هنری در خیلی از موارد تسهیل شود. همین الانش هوش مصنوعی قابلیت خلق یک سری تصاویر خاص و بعضاً فانتزی را دارد. خودش شروع به ساخت ملودی و آهنگ نیز کرده است. همه‌ی این‌ها در کل باعث می‌شود سرعت تولید یک اثر بالا برود.

اما "هنر" یعنی تازگی؛ یعنی خلاقیت؛ یعنی تجلی مفاهیم. هوش مصنوعی خلاقیتش تا کجا می‌کشد؟ او معنای مفاهیم متعالی را چقدر می‌فهمد و چقدر می‌تواند خارج از الگوریتم‌های کلیشه‌ای، آنها را در قالب یک اثر بدیع بازآفرینی کند؟ بگذارید مثالی بزنم. چند شب پیش وسط انجام کاری، در چت جی‌پی‌تی نوشتم «پیروزی انقلاب اسلامی» و خواستم که به من عکسی بدهد. فکر می‌کنید خروجی چه بود؟ چیزی شبیه تظاهرات‌های ۵۷. موجی از جمعیت به همراه پرچم‌های جمهوری اسلامی. همین!

به نظر می‌رسد هوش مصنوعی حالا حالاها از انسان عقب‌تر بماند و حداقل در یکسری مفاهیم بزرگ و پر معنا که خود انسان هم نیاز به غور در آنها دارد، دست هوش مصنوعی خالی باشد؛ چون نمی‌تواند فرآوری فکری چندانی انجام دهد. می‌گویید نه؟ امتحان کنید! بزنید یک تصویر در توصیف این جمله به من بده: «مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست.» بعد خروجی را با اثر «هرگز مباد» مرحوم استاد حبیب‌الله صادقی مقایسه کنید. بدرود!

بهره‌ی مربی از فضای مجازی!

یادداشت هسته‌ی تعلیم و تربیت؛ به قلم

محمدصادق کومالکی

دانشجوی ورودی ۱۴۰۱ رشته‌ی معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، گرایش مطالعات فرهنگ و تربیت



می‌گویند مربی و مربی باید هر روز ارتباطی مستمر داشته باشند تا انس، الفت و الگوگیری در همه‌ی ساحات میان آن‌ دو رقم بخورد. حال این امر چگونه ممکن خواهد بود، در حالی که هر دو نفر مشغله‌های خاص خودشان را دارند و فاصله‌ی مکانی به آنها اجازه‌ی این میزان از "دیدار" را نمی‌دهد؟! همین‌جاست که "فضای مجازی" به فضای دومی برای "تربیت" مبدل می‌شود. فعلاً کاری به حقیقی یا مجازی بودن این فضا و با عوامل مخرب و آسیب‌زایی که آمارهای آن همیشه نقل مجالس است، ندارم. در ارتباطات میان مربی و مربی، "فضای مجازی" ابزار به شدت مفیدی است برای تربیت؛ البته به شرط آنکه افسارش در دست باشد و تغذیه‌ی آن مهیا.

معتقدم فضای مجازی برای انتقال بعضی محتواها و پیام‌ها، می‌تواند مؤثرتر از ارتباط چهره به چهره عمل کند. برای مثال آنجایی که از نوجوان خطایی سر زده و نیاز به تلنگر دارد، فرستادن پیام از طریق شبکه‌های اجتماعی می‌تواند مفیدتر واقع شود؛ چرا که به مخاطب این اجازه را می‌دهد که پیش از نشان دادن واکنش و عکس‌العمل، در خلوت خود بیشتر به آن موضوع فکر کند و در آن مسئله عمیق‌تر گردد. این قاعده می‌تواند برای محتواهای انگیزشی، احساسی یا حتی موضوعاتی که نیاز به تفکر و تعمق بیشتری دارند نیز صدق کند. از آن طرف، نوجوان هم برای بیان بسیاری از مشکلات، مسائل و پرسش‌های خود، ترجیح می‌دهد از بستر پیام‌رسان‌ها استفاده کند.

ناگفته نماند که فضای مجازی بستر مناسبی است برای حفظ ارتباط مستمر و الفت میان مربی و مربی، انتشار اطلاع‌رسانی‌ها، بهره‌گیری از محتواهای صوتی و تصویری و ایجاد پویاها و نشریه‌ها. فضایی مجازی حتی در فرایند جذب نوجوان‌ها به مسجد هم اثرگذار است و جذب آن نوجوانی که دسترسی به فضای مجازی دارد، ساده‌تر است از نوجوانی که بی‌بهره یا حتی کم‌بهره‌تر است! برای مثال آن نوجوانی که به فضای مجازی دسترسی دارد، به راحتی می‌تواند در گروه‌ها و کانال‌های ارتباطی عضو گردد و با فرستادن اطلاعیه‌ها و انتشار گزارش برنامه‌های مسجد و فراهم کردن شرایط ارتباط‌گیری با باقی اعضا و هم‌سن‌وسالانش در گروه‌ها، در او شوقی برای حضور و فعالیت در مسجد ایجاد کرد.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که پیام‌رسان‌های فضای مجازی، ظرفیت‌های خوبی برای گسترش ارتباط مربی و مربی و حتی مؤثرتر کردن آن فراهم کرده است که می‌توان به این ظرفیت‌ها، توجهی بیش از پیش نمود.





فضای مجازی، رکن مهم دیپلماسی فرهنگی

یادداشت هسته‌ی ارتباطات و دیپلماسی؛ به قلم علی‌رضا آل‌بویه
دانشجوی ورودی ۱۴۰۱ رشته‌ی معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات،
گرایش تبلیغ و دیپلماسی فرهنگی

امروزه شاهد توسعه و پیشرفت روزافزون فضای اینترنت و رسانه‌های مجازی در سطح بین‌الملل هستیم. این امر موجب سهولت در شناخت دیگر ملل، اقوام و به طور کلی، فرهنگ‌ها شده است. رسانه‌های مجازی و اجتماعی، به کانون ارتباطات مردم با یکدیگر تبدیل شده که اگر در سطح کلان به موضوع نگاه کنیم، از فضای مجازی می‌توان به عنوان ابزاری برای "ارتباطات میان‌فرهنگی" نام برد. از آنجا که جهانیان در شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند و این بستر به عنوان جزئی از زندگی روزمره‌ی آنها محسوب می‌شود، فرصت خوبی برای دیپلماسی فرهنگی و اصحاب آن به وجود آمده تا از همین رسانه‌ها بتوانند دیگر فرهنگ‌ها را بشناسند و با آنها ارتباط برقرار کنند. فضای مجازی بستری را فراهم کرده که با راحتی می‌توان با مردم سراسر جهان، با هر ملیت و قوم و مذهبی، ارتباط برقرار کرد، با سبک زندگی آنها آشنا شد و یا فرهنگ خود را برای‌شان معرفی نمود. حسن این فضا، برقراری ارتباط با سرعت زیاد و هزینه و زمان کم است و مثل گذشته، حتماً نیازی به سفر به دیگر کشورها یا برقراری ارتباط حضوری با دیگران، برای شناخت "فرهنگ" نیست. حسن دیگر رسانه‌های اجتماعی عمومیت آن است؛ یعنی اقشار مختلف جامعه، با هر شغل و جایگاهی امکان استفاده از آن را دارند. همین مورد برای دیپلماسی فرهنگی قابل بهره‌برداری است. برای مثال جهانگردهایی که به شهرهای مختلف سفر می‌کنند، در صفحات مجازی خود عکس، فیلم و متن‌هایی را برای معرفی آنجا منتشر می‌کنند و یا برخی بلاگرها که اقدام به انتشار مسائل مختلفی همچون مد، لباس و سبک زندگی که فرهنگ‌ساز هستند نمایند، تا حتی اگر این اطلاعات به اشتراک گذاشته شده غلط هم باشند، خودمان می‌شود که در عین حال، افراد خارج از کشور هم می‌توانند این اطلاعات را دریافت کنند و از سویی دیگر می‌توان با دیگر فرهنگ‌ها آشنایی پیدا کرد که این مورد اگر کنترل نشود، می‌تواند به مسیری برای نفوذ و انتشار فرهنگ‌های ناپسند به دیگر ملل تبدیل شود.

نکته‌ای که می‌توان، هم به عنوان نقطه‌ی قوت مطرح کرد، هم نقطه ضعف، دسترسی همه‌ی مردم به اطلاعات فضای مجازی است. نقطه‌ی قوت آن، معرفی و شناخت فرهنگ‌های گوناگون در سطح جهان است اما نقطه‌ی ضعف آن نیز اتفاقاً در همین امر نهفته است. از آنجا که همه‌ی مخاطبان شبکه‌های اجتماعی از دانش و سواد رسانه‌ای کافی برخوردار نیستند، این عمومیت می‌تواند به عنوان یک تهدید برای فرهنگ اصیل و داخلی، از طریق نشر فرهنگ‌های ناپسند غربی برای مردم باشد. ذات انسان، متمایل به زیبایی و جذابیت است که نمونه‌هایی از آن در شبکه‌های اجتماعی نیز وجود دارد؛ یعنی یک متن یا عکس طوری جذاب و گیرا کار می‌شود که مخاطب، ناخودآگاه به سمت آن می‌رود و تحت تأثیر قرار می‌گیرد. از دیگر آثار منفی شبکه‌های اجتماعی، آسان‌شدن امکان اشاعه و تبلیغ فرهنگ‌های غلط با بهره گرفتن از آن است. کافیست مراجع و افراد شاخص شبکه‌های اجتماعی، اقدام به انتشار مسائل مختلفی همچون مد، لباس و سبک زندگی که فرهنگ‌ساز هستند نمایند، تا حتی اگر این اطلاعات به اشتراک گذاشته شده غلط هم باشند، دنبال کننده‌های این افراد آنها را بپذیرند؛ چون این افراد شاخص، به عنوان الگو در ذهن دنبال کننده و مخاطب قرار گرفته‌اند.

اگر به افرادی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، آموزش‌های لازم داده شود تا آنها سواد استفاده از این بستر را داشته باشند و قدرت درک و تحلیل محتوای درون این فضا را پیدا کنند، "فضای مجازی" تبدیل به یکی از بهترین وسایل برای ارتباط با دیگر فرهنگ‌ها می‌شود، اما اگر مخاطب در این فضا رها شود، در میان انبوه اطلاعات کذب و مسائل نادرست غرق خواهد شد و این مسئله، می‌تواند خطر بزرگ شبکه‌های اجتماعی برای همه‌ی مردم باشد.



صدای خاموش اقلیت

یادداشت هسته‌ی علوم اجتماعی؛ به قلم سیدمجتبی علوی‌منش
دانشجوی ورودی ۱۴۰۱ رشته‌ی معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات،
گرایش سیاست‌گذاری فرهنگی

- مهاجرین افغان در ایران همواره با ترس اخراج به سر می‌برند. / D.W
- مقام ایرانی: روزانه بیش از ۳۰۰۰ مهاجر را بازداشت کرده و به افغانستان باز می‌گردانیم. / صدای آمریکا
- یک دهم جمعیت ایران، مهاجران افغان هستند. / تابناک
- افزایش فشارها بر مهاجران افغان در ایران؛ ممنوعیت خرید نان با دستور دادستان / BBC
چرا سه کلید واژه‌ی «افغان»، «مهاجر» و «ایران» در ذهن ما همراه با «اخبار منفی» ثبت شده‌اند؟ چرا احساس می‌کنیم موجی از خشم مردمی علیه مهاجرین افغان وجود دارد؟ چرا کسی از حقوق مهاجرین قانونی افغانستانی سخنی به میان نمی‌آورد؟

فضای مجازی به عنوان یک بستر ارتباطی نوین، تأثیرات عمیقی بر نحوه‌ی تعاملات اجتماعی و فرهنگی دارد. این فضا می‌تواند به نادیده گرفتن و حاشیه‌نشینی گروه‌های اقلیت منجر شود. گرامشی و استوارت هال معتقد بودند که قدرت و هژمونی فرهنگی در جامعه، به طور عمده از طریق روزنامه‌ها (الآن بخوانید "رسانه‌های نوین") و فضاهای عمومی شکل می‌گیرد و این رسانه‌ها می‌توانند به تقویت یا تضعیف صدای گروه‌های مختلف کمک کنند.

حال باید از خود پرسیم آیا مهاجرین افغان بستری برای دفاع از خود دارند؟ آیا رسانه‌های صدای دفاع آنان از حداقل حقوق‌شان را به گوش ما می‌رساند؟ سؤال اینجا است که با وجود آزادی انتشارات اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی، چرا صدای اقلیت‌ها شنیده نمی‌شود؟ الگوریتم‌ها و سیاست‌های پلتفرم‌های شبکه‌ی اجتماعی، به طور طبیعی تمایل دارند محتوای پرطرفدار و غالب را برجسته کنند. این امر می‌تواند به نادیده گرفتن صدای گروه‌های اقلیت منجر شود. این پدیده به نوعی بازتولید هژمونی فرهنگی است که گرامشی و استوارت هال به آن اشاره می‌کردند. به عنوان مثال، در بحث حقوق مهاجرین افغان، بسیاری از رسانه‌ها به دلیل فشارهای اجتماعی یا سیاسی، محتوای مرتبط با این گروه را سانسور می‌کنند یا به حداقل می‌رسانند. در نتیجه، این گروه‌ها نمی‌توانند به راحتی تجربیات و چالش‌های خود را به اشتراک بگذارند و صدای آن‌ها در فضای عمومی نادیده گرفته می‌شود.

علاوه بر این، گروه‌های اقلیت ممکن است به دلیل عدم دسترسی به منابع و امکانات لازم، نتوانند در فضای مجازی به طور مؤثر حضور داشته باشند. این نابرابری در دسترسی به فناوری و اطلاعات، به حاشیه‌نشینی بیشتر آن‌ها دامن می‌زند. در نهایت، فضای مجازی می‌تواند هم به عنوان ابزاری برای تقویت صدای گروه‌های اقلیت عمل کند و هم به نادیده گرفتن آن‌ها منجر شود. این دوگانگی نشان‌دهنده‌ی نیاز به بازنگری در سیاست‌های رسانه‌ای و الگوریتم‌های پلتفرم‌ها برای تضمین حضور و صدای همه گروه‌ها در جامعه است.



ماجرای عکس صفحه‌ی اول

احتمالاً پیرمرد در حیرت است...
مثلاً این‌طور ممکن است بگوید که:
«عجب چیزی! دارم نوهام را از آن طرف دنیا می‌بینم! قدیم‌ها که این چیزها نبود...»
راستی قدیم‌ها چگونه بود؟! آیا زندگی بدون گوشی، لپ‌تاپ، کنسول بازی و... ناممکن بود؟
آیا زندگی "سخت" بود؟ مردمی که گوشی ندیده بودند، درک‌شان از "سخت بودن" زندگی بدون «فضای مجازی» چگونه بود؟
کاغذ احوال یازدهم را با این پرسش مهم به پایان می‌رسانیم که: گفتن جمله‌ی «فضای مجازی یک پیشرفت برای بشریت محسوب می‌شود.» چقدر آسان است؟!
”